



فلسفه تربیتی نقد، تبیین چیستی، چرایی و چگونگی

سوسن کشاورز^۱

استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، ایران

یکی از فعالیت‌هایی که فیلسوفان انجام می‌دهند، انتقاد است. قضاوت در خصوص قضایا مستلزم بررسی و ارزیابی دقیق آنهاست، چرا که نقادی باید ارتقاء اثر و ارزشمندی محتوی را به دنبال داشته‌باشد، در این صورت است که این عمل فلسفی می‌تواند آثار تربیتی پدید آورد و در جامعه روشنگری ایجاد کند، اما تحقق چنین هدفی نیازمند آن است که فعالیت فلسفی نقد بر مبادی صحیحی استوار باشد تا پیامدهای فردی و اجتماعی تربیتی را به همراه آورد. بدین منظور ضرورت دارد ابتدا از فلسفه نقد آگاه شد، در این راستا این مقاله بر آن است ذیل سه محور چیستی، چرایی و چگونگی به تبیین این فلسفه بپردازد. در قسمت چیستی؛ ماهیت نقد در قسمت چرایی؛ اهداف نقد و در محور چگونگی؛ اصول نقد ذیل دو محور نقدکننده و نقد شونده مورد نظر گرفته‌است. برخی از مهم‌ترین اهداف عبارتند از: هدایت و تعالی، تقویت توانمندی تحلیل و پرسش‌گری، توسعه فرهنگ گفتگو و گسترش اندیشه‌ورزی و برخی از اصول مربوط به نقد کننده و نقد شونده عبارتند از: اعلمیت، مستند بودن، مستدل بودن، وضوح، توجه به بافت و زمینه اثر، شنونده خوب بودن، انعطاف‌پذیری، سعه صدر و آمادگی پذیرش نقد.

واژه‌های کلیدی: نقد، فلسفه تربیتی، اصول، اهداف، ماهیت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ ss.keshavarz@yahoo.com

مقدمه

نقد فلسفه به معنای دوست داشتن خرد و دانش است. منظور از خرد دوستی کوشش برای به وجود آوردن یک طرز فکر منطقی و نظر وسیع و عمیق در برخورد به امور گوناگون است. (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ص ۵۴). یکی از فعالیت‌های اساسی فلسفی که می‌تواند خرد دوستی را در جامعه گسترش دهد، انتقاد است تا از این طریق افکار و ایده‌ها مورد ارزیابی قرار گیرند و در سایه چنین عملی، توانمندی‌ها و محدودیت‌ها شناسایی و مسیر برای حرکت تعالی‌جویانه و تکاملی هموار شود و در سایه شناخت نقاط قوت و ضعف؛ تلاش برای رفع کاستی‌ها صورت گیرد، اما تحقق چنین امری مستلزم آگاهی از فلسفه وجودی چنین عمل ارزشی است تا بتواند روشنگری به دنبال داشته‌باشد و راه را برای کشف مجهولات باز نماید و با آثار تربیتی که پدید می‌آورد، موجب گسترش فرهنگ نقد در بین گروه‌های سنی مختلف جامعه شود، بنابراین، این مقاله تلاش دارد با به تصویر کشیدن چیستی، چرایی و چگونگی نقد، تبیین روشنی از فلسفه تربیتی نقد ارائه دهد. بدین منظور در ذیل محور چیستی، معنای نقد، در ذیل محور چرایی اهداف نقد و در ذیل محور چگونگی، اصول نقد مطرح شده‌است.

چیستی نقد

در ذیل مبحث چیستی؛ موضوع ماهیت یا مفهوم‌شناسی کلمه نقد مورد بررسی قرار گرفته‌است. نقد واژه‌ای عربی است که وارد زبان فارسی شده‌است و با همه اجزای زبانی و فرهنگی ما به خوبی گره خورده‌است (معین، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۳۸۳). در زبان عربی این واژه دارای معانی گوناگونی است از جمله، تشخیص بین درهم‌ها، خیره نگریستن به چیزی و چشم برداشتن از آن بی‌آن‌که کسی متوجه شود، داد و ستد درهم، جداسازی درهم‌ها و بیرون کردن معیوب از سالم‌ها، حاضر و موجود در مقابل نسبه، انگشت زدن به شیء (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۱۱۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۴۲۵). در فرهنگ لغت زبان فارسی نیز این معانی برای نقد و نقد کردن ذکر شده‌است: جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره، تمییز دادن خوب از بد، آشکار کردن معایب و محاسن سخن و تشخیص معایب از محاسن (معین، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۳۸۳) واژه دیگری که ریشه مشترک با نقد دارد انتقاد است. انتقاد مصدر باب افتعال است و در کتب لغت عربی معنای جداگانه‌ای برای آن ذکر نشده است و در حقیقت، به عملیات نقد کردن انتقاد گفته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۴۲۵) در زبان فارسی نیز انتقاد در لغت به معنای سره کردن، نقد گرفتن پول، خرده گرفتن، جدا کردن خوب از بد یا گاه از گندم و مانند آن، به‌گزینی، شرح معایب و محاسن شعر یا مقاله یا کتابی یا سنجش اثر ادبی یا هنری بر معیار یا عملی تثبیت شده است. (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۰۶).

واژه نقد و نقد کردن در قدیم به معنای تعیین عیار سکه طلا و تشخیص سکه واقعی از سکه قلب بوده است، اما امروزه در یک مفهوم کلی به معنای قضاوت و ارزیابی درباره اعمال، افکار و آثار دیگران است و آنچه به طور اخص از نقد مورد نظر است، سنجش و ارزشیابی دقیق و علمی درباره آثار و دستاوردهای علمی نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان در تمامی حوزه‌های دانش بشری است. به کمک نقد است که یک اثر اعتبار می‌یابد و نقاط ضعف و قوت آن عیان و موجب اصلاح مداوم الگوهای دانش بشری می‌شود. به عنوان مثال نقدهای فرانسیس بیکن در قرن هفدهم بر منطق قیاسی ارسطو سبب نسخ آن و استقرار منطق جدید استقرایی شد، بنابراین، اهمیت نقد در انقلابات علمی انکارناپذیر است. کار ناقد حکم دیده‌بانی را دارد که با رصد دقیق می‌خواهد به درستی مسیر اندیشه صحیح را رهگیری کند و جهت ایجاد روشنگری بیش‌تر، با ارزیابی موشکافانه نقاط قوت و محدودیت‌های راه را شناسایی کند. از آنجا که پرسش‌گری یکی از ویژگی‌های ذهن فلسفی است و همین ویژگی موجب تولید آثار متعدد فکری و فرهنگی در طول تاریخ شده است. در فرایند عمل نقد است که این خصیصه شکوفا شده و پویایی فکری محقق می‌شود.

چرایی نقد

در ذیل این محور؛ اهداف نقد مطرح شده است که نشانگر مقاصد تربیتی یا وضعیت‌های نهایی است که قرار است از طریق فرایند نقد به آنها نائل شد.

۱. هدایت و تعالی

یکی از اهدافی که در فرایند نقد محقق می‌شود زمینه‌سازی برای کمک کردن به نویسندگان و خوانندگان جهت شناسایی بهتر سره از ناسره و خوبی‌ها و درستی‌ها از بدی‌ها و نادرستی‌ها به هدف هدایت به سوی کمال و اصلاح امور است. چنین نقدی خیرخواهانه و سازنده است و تعالی افراد را به دنبال خواهد داشت و زمینه خوبی را برای دستیابی جامعه به سوی کمال فراهم خواهد کرد.

۲. تقویت توانمندی تحلیل و پرسش‌گری

منظور از تحلیل؛ مشخص کردن معانی کلمات و توضیح و تشریح آنهاست. تحلیل زبان و روشن کردن معانی در بحث‌های علمی و فلسفی بسیاری از اختلافات را از میان می‌برد. (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ص ۵۶) فعالیت تحلیلی در کار فیلسوفان از زمان قدیم معمول بوده است. مکالمات سقراط و روش او در تحقیق که به نام روش دیالکتیک خوانده می‌شود، بهترین دلیل این امر تلقی می‌شود. (همان، ص ۵۷). نخستین کسی که از نوشتن نقد سود می‌برد، نویسنده نقد یا همان منتقد است، زیرا با نوشتن درباره یک اثر به شناخت بیش‌تری از آنها دست می‌یابد. کتاب را به سادگی از یاد نمی‌برد و به این

ترتیب فهرستی از آنچه خوانده می‌شود، ثبت و ضبط می‌شود. بدین ترتیب توان توصیف، تحلیل و تفسیر او نیز بهبود خواهد یافت. به بیانی دیگر، با نوشتن یک نقد و موشکافی دقیق اجزای متن، توانمندی تحلیل منتقد و خوانندگان نقد ارتقاء یافته و این امر موجب روشنگری بیش‌تر در خصوص ابعاد متن خواهد شد. یکی از راه‌های مؤثر برای توسعه فرهنگ نقد در جامعه استفاده از فعالیت فلسفی پرسش کردن است. فرانسیس بیکن می‌گوید: «آن کس که بسیار بپرشد، بسیار خواهد آموخت و بسیار خشنود خواهد شد» (غنی، ۱۳۸۹: ص ۲۰).

مهارت پرسش‌گری یکی از مهارت‌های پایه و بنیادین فعالیت‌های پژوهشی و خودآموزی به شمار می‌آید. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «ان هذا العلم علیہ قفل و مفتاحه المسألة» «علم قفلی است که کلید آن پرسش است.» (کافی، ج ۱، ص ۴۰)، حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «القلوب أقفال و مفاتحها السؤال» «قلبها بسته شده و کلید آن سؤال است» (غررالحکم، ص ۶۰). یا «العلم خزائن و مفاتحها السؤال» «علم خزینهای است که کلید آن سؤال است» (کنزالفوائد، ج ۲، ص ۱۰۷).

پرسش کردن همواره یک فرایند ذهنی اساسی برای معنا دادن به پدیده‌های جهان اطراف بوده‌است که مربوط به گروه خاصی از آدمیان نمی‌شود، پرسش کردن، نقش محوری در آمادگی پیدا کردن برای فعالیت نقد و به چالش کشاندن دارد. طرح یک پرسش سبب درگیری فرد با موضوع مشخص می‌شود و او را به پرسیدن سؤال‌های بیش‌تر یا چالش ایده‌ها برمی‌انگیزد. طرح سوالات اساسی در خصوص یک اثر موجب فهم بهتر متن خواهد شد لازمه بیان پرسش‌هایی مانند این که نویسنده چه پیامی را می‌خواهد به مخاطب برساند؟ محتوا دارای چه کیفیتی است؟ آیا نویسنده در رساندن پیام با توجه به ابعاد مختلف آن موفق بوده‌است؟ و ... تحلیل دقیق یک متن و معرفت داشتن نسبت به موضوع خواهد بود و تحقق چنین فعالیت‌های فلسفی، تفکر انتقادی را در جامعه گسترش خواهد داد.

۳. شناسایی قوت‌ها و محدودیت‌ها

با توجه به موشکافی دقیقی که در فرایند نقد صورت می‌گیرد، بدین ترتیب نویسنده و سایر پدیدآورندگان، مترجم، ویراستار، طراح جلد، ناشر و سایر متولیان عرصه نشر از کاستی‌های اثری که منتشر کرده‌اند، آگاه می‌شوند و با توجهی که به امتیازهای کارشان شده به استمرار کار فرهنگی تشویق خواهند شد. همچنین به کمک نقد جامعه مخاطبان با آثار جدید آشنا می‌شوند و از نقاط قوت و محدودیت‌های آن‌ها آگاه خواهند شد. در واقع نقد نوعی کنترل کیفیت در قلمرو نشر به شمار می‌آید و عیار و معیاری است که به کمک آن می‌توان آثار ارزنده و ماندگار را از آثار سطحی و بی‌مایه متمایز کرد.

۴. توسعه فرهنگ گفتگو

کارکرد اصلی نقد در حفظ پویایی و نشاط در جامعه است. نقد عالمانه و منصفانه فضایی برای گفتگو در بین آحاد جامعه می‌گشاید. بدون نقد عرصه نشر دچار سکون و سکوت می‌شود. در حالی که کتاب، رسانه‌ای برای تعامل و گفتگوست و قرار است بخشی از گفتگو درباره کتاب در قالب نقد متجلی شود. هر کتابی که منتشر می‌شود، علاوه بر محتوایی که عرضه می‌کند، کانونی برای گفتگو در جامعه به شمار می‌آید. برگزاری نشست‌های نقد، فضایی سالم برای گفتگو بین نقدکنندگان و نقدشوندگان ایجاد خواهد کرد و از این طریق مخاطبان با فرهنگ گفتگو و چگونگی عمل درست آن آشنا خواهند شد.

۵. گسترش اندیشه‌ورزی

اندیشه‌ورزی از مهم‌ترین استعدادهایی است که در بشر نهفته و به شدت نیازمند آن است، چرا که آدمی را از خطاها و لغزش‌ها مصون می‌دارد و زمینه برای رشد وی فراهم می‌شود. در مسیر اندیشه‌ورزی، تبادل نظر و داد و ستد افکار، تضارب و تعاطی اندیشه‌ها شایان اهمیت است، هر اندیشه منطقی، اگر بتواند ساری و جاری شود، با اندیشه دیگر، دیالوگ و گفتگو و داد و ستد می‌کند و از این تعامل و کنش متقابل و مؤثر غنای اندیشه حاصل می‌شود. اندیشه‌ورزی، در چنین امکانی، به توسعه و پیشرفت جوامع کمک خواهد کرد. از طریق گسترش فرهنگ نقد در بین آحاد جامعه می‌توان موجبات توسعه اندیشیدن را فراهم آورد.

۶. گسترش و توسعه علم

فعالیت فلسفی نقد می‌تواند موجبات گسترش علم را در جامعه فراهم سازد، چرا که در ذیل چنین فعالیتی؛ نشست‌های گفتگومحور افزایش می‌یابد، امکان طرح آزادانه اندیشه‌ها فراهم می‌شود، کتاب‌ها و مقالات تدوین گشته، مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت، مسائل جدیدی مطرح خواهد گشت و موجب توجه صاحب‌نظران به این عرصه‌های جدید خواهد شد، جمود فکری از بین خواهد رفت، سنت نقد در جامعه شکل خواهد گرفت، فضای مناسب برای نقد فراهم خواهد گشت و در نتیجه انگیزه درونی لازم برای نقد کردن و نقد پذیرفتن افزایش می‌یابد و همه این زمینه‌سازی‌ها موجب گسترش روح علمی و در نتیجه توسعه فعالیت‌های علمی خواهد شد.

چگونگی نقد

در ذیل محور چگونگی؛ اصول نقد تبیین شده‌است. منظور از اصول؛ دستورالعمل‌ها یا قواعد تجویزی هستند که در فرآیند عمل نقد باید مبنای کار نقدکنندگان و نقدشوندگان قرار گیرند و در واقع مشخص‌کننده باید و نبایدها در جریان این فعالیت هستند. البته باید توجه داشت که این اصول ابعاد

مختلفی می‌تواند داشته باشد از یک منظر با توجه به تفکیک هر یک از اجزایی که در فضای نقد وجود دارند، قابل بیان است که این ابعاد شامل ۱. نقد کننده؛ ۲. نقد شونده؛ ۳. بافت و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی ۴. متن اثر است و از منظر دیگر با توجه به وجوه مختلف علمی و اخلاقی و یا نقد درونی و بیرونی می‌توانند بیان شوند. در این قسمت اصول ذیل دو محور نقد کننده و نقد شونده مطرح و تلاش شده‌است ذیل هر محور مواردی از اصول علمی و اخلاقی بیان شود.

الف) اصول مربوط به نقد کننده

۱. اعلمیت

فردی که قرار است فعالیت نقد را انجام دهد باید نسبت به حوزه مورد بررسی و موضوع معرفت لازم را داشته باشد به تربیتی که از توانمندی‌های علمی در این عرصه برخوردار باشد. او برای این‌که بتواند نسبت به برخی از برداشت‌ها و ایده‌های مطرح شده در متن با دقت بیش‌تری اظهارنظر کند، ضروری است که تصویری از شخصیت نویسنده در اختیار داشته‌باشد تا بتواند پرسش‌هایی را که درباره مؤلف مطرح می‌شود، پاسخ‌گو باشد. ضروری است که ناقد به زبان اثر تسلط داشته باشد، از قدرت تحلیل و استنتاج بالایی برخوردار باشد. کشف، فهم و نقد سخت هسته یک تحقیق وظیفه اصلی ناقد است. ناقد باید از ادبیات نگارش مطلع باشد. بخشی از آن به شیوایی و رسایی نثر مؤلف مربوط می‌شود و بخشی دیگر به اصول و قواعد نگارش، ساختار و واژگان و اصطلاحات، پاراگراف‌بندی و لحن نویسنده مربوط است. در بررسی ادبیات نگارش شایسته است به روش نگارش، انسجام مطالب، شیوه ارجاع‌دهی، نقل قول، سیستم استدلال و تبیین و مستندات تحقیق عنایت خاص شود.

در هر حال نقد یک متن نوشتاری هم شامل عناصر کلی است که قابل ملاحظه و شمارش هستند، مانند صور مختلف واژگان یا سایر داده‌هایی که از صورت ظاهر متن قابل تشخیص‌اند و هم شامل مفاهیم یا عناصری هستند که در پس آرایش ظاهری واژه‌ها و جمله‌ها پنهان شده‌اند.

۲. مستند بودن

یکی از اصولی که در فرایند نقد باید مورد نظر قرار گیرد، استناد دقیق به متن اثر در بیان مطالب است و همچنین در بیان کم‌داشت‌ها مستند کردن مطالب به منابع معتبر می‌تواند به قوت نقد کمک کند و نشانگر جامعیت فکر ناقد باشد. همچنین استناد به مطالب دیگران که در خصوص این اثر نکاتی را بیان کرده‌اند می‌تواند افق دید ناقد را گسترده‌تر کند.

۳. مستدل بودن

اصل مهم دیگری که در نتیجه توجه به اصل قبلی در فرایند نقد ظهور پیدا خواهد کرد، منطقی و استدلالی بودن عمل نقد است به ترتیبی که تمامی مطالبی را که ناقد در خصوص متن بیان می‌کند، منطقاً از دل متن بیرون آمده باشد و با ارائه دلایل و شواهد کافی و معتبر بیان شوند. تحقق این امر هم باعث پذیرش بهتر مطالب از سوی نقد شونده خواهد شد و هم مخاطبان مسیر درست انجام کار را خواهند آموخت و هم نقد کننده با اعتماد به نفس بیش‌تری کار داوری را به سرانجام خواهد رساند.

۴. ارائه پیشنهادها در کنار بیان محدودیت‌ها

از نکاتی که به آرامش فضای نقد کمک خواهد کرد، آن است که ناقد فقط به ذکر نقص‌ها و کاستی‌ها اکتفا نکند و در کنار کمداشت‌ها با روحیه همدلانه با توجه به تسلط خویش یه حوزه تخصصی؛ راهکارها را هم بیان کند و پیشنهادهای مطلوبی را برای اصلاح و بهبود و ارتقای اثر ارائه دهد.

۵. وضوح و روشنی

محتوای نقد باید واضح و روشن باشد به ترتیبی که نیاز به مفسر نداشته باشد. ناقد باید نقد خود را به بیانی ساده و شفاف بنویسد و یا به صراحت بیان کند تا هم نقد شونده و هم مخاطبان دچار ابهام و سرگردانی نشوند. تحقق این امر موجب فهم بهتر مطلب شده و به نقد شونده کمک خواهد کرد که بهتر بتواند پاسخ‌گو باشد و یا اصلاحات لازم را در متن اعمال کند.

۶. رعایت انصاف و صداقت در گفتار

برای انجام عمل نقد، ناقد باید واجد برخی از ارزش‌های اخلاقی باشد که در تحقق درست این فعالیت بسیار تأثیر گذار است از جمله این ارزش‌ها رعایت انصاف و صداقت در گفتار است. بنابراین نباید در بیان نقاط قوت و ضعف اثر مورد نظر مبالغه و اغراق کند و یا قضاوت‌های شخصی و پیش‌داوری‌های قبلی او مانع از دیدن واقعیت شود. ارائه تصویر درست از متن و ابعاد مختلف آن به طور صادقانه و واقع-بینانه می‌تواند بستر مناسبی را برای کمک به ارتقای هر چه بیش‌تر اثر به وجود آورد. به هر حال باید توجه داشت که قرار است اثر نه صاحب اثر نقد شود. بنابراین، صاحب اثر هر که هست، هر نژاد، ملیت، زبان، مذهب، یا هر ویژگی شخصیتی دیگری که دارد بحث دیگری است و ناقد باید این دو عرصه را از هم تفکیک کند و در باره محتوایی که در کتاب وجود دارد و گزاره‌هایی که نوشته شده سخن بگوید. به سخن دیگر، معرفی و نقد از یک اثر مستقل از نویسنده آن است و دوستی یا دشمنی با نویسنده - به هر دلیل که باشد - نباید بر داوری درباره کتاب مورد بررسی تأثیر بگذارد. همان‌طور که درستی یا

نادرستی یک گزاره مستقل از گوینده آن است، قضاوت درباره کیفیت یک متن باید مستقل از شخصیت پدیدآور آن باشد.

۷. بیان نقاط قوت با اولویت مرتبته

قطعاً هر متنی واجد یک سری نقاط قوت و مزیت‌ها است که باید در فرایند نقد مورد نظر قرار گیرد. اولین وجه امتیاز مؤلف آن است که تلاش داشته‌است با قلم زدن وارد عرصه علمی شود و اندیشه‌های جدیدی را به جامعه علمی وارد کند. انجام چنین کاری فی نفسه ارزشمند خواهد بود. علاوه بر آن ابعاد مختلف متن شامل طرح جلد، توجه به نکات ادبی و ویرایشی و نگارشی و همچنین نکات علمی مناسب محتوایی متن همه می‌توانند قوت‌هایی باشند که نویسنده اثر به آن توجه داشته‌است، بنابراین بیان این موارد در ابتدای شروع عمل نقد هم نشانگر سلامت نفس ناقد خواهد بود، هم منجر به آن خواهد گشت که نویسنده اطمینان یابد که ناقد از خط اعتدال خارج نخواهد شد و مطالب او می‌تواند در اعتدالی متن مؤثر باشد.

۸. حفظ آرامش و رعایت ادب

با توجه به آن که ممکن است فعالیت نقد تنش‌زا باشد، بنابراین باید تلاش کرد که حتماً در فضایی سالم صورت گیرد، چرا که هم نقدکننده و هم نقدشونده و هم مخاطبان از کرامت انسانی برخوردارند، بنابراین برای آن که توسعه فرهنگ نقد صورت گیرد، ضرورت دارد توجه خاصی به رعایت ارزش‌های اخلاقی بشود و فرد ناقد با متانت و نرمی ضمن حفظ آرامش در فضایی کاملاً محترمانه مطالب خود را بیان کند تا بدین ترتیب کلام و سخن او در دل مخاطب نفوذ کند و زمینه برای ادامه فعالیت فراهم شود.

۹. عدم خودباختگی و شجاعت در کلام

برای تحقق عمل نقد باید جرئت ورود به این فعالیت حساس را داشت و نگران پیامدهای منفی آن و یا به خطر افتادن منافع شخصی نبود. همچنین نباید دچار شیفتگی نسبت به محتوا و یا صاحب اثر شد بلکه باید شجاعانه و با صراحت، به طور مستدل مطالب را بیان کرد.

۱۰. توجه به بافت و زمینه اثر

در داوری باید به زمانه و زمینه‌ای که اثر مورد نظر در آن نوشته شده توجه کرد. هر متن در بافتی که نوشته شده معنا می‌یابد. از این نظر باید بر شرایط زمانی و مکانی تولید یک اثر یا پیام تأکید کرد که آن را اصطلاحاً تاریخت اثر می‌گویند که بر مبنای آن هر اثر و نظریه ریشه در خاک، لحظه‌های معینی از تاریخ دارد. توجه به بافت اثر هم باعث فهم بیشتر اثر خواهد شد و هم ابعاد مختلف متن را روشن

خواهد کرد و هم محدودیت‌های پیش روی نویسنده را به خوبی آشکار خواهد ساخت.

ب) اصول مربوط به نقد شونده

۱. شنونده خوب بودن

یکی از اصولی که از سوی نقد شونده باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که به دقت نکات مطرح شده از سوی ناقد را بشنود، چه بسا بسیاری از بدفهمی‌های نشأت گرفته از عدم توجه کافی به مطالب بیان شده و سطحی نگریستن به موضوع باشد. شنیدن خوب مطالب، زمینه مناسبی را فراهم خواهد کرد تا از کج فهمی جلوگیری شود و آمادگی لازم برای پاسخ به ابهامات و اشکالات فراهم شود و همچنین بتوان به نحو درستی از راهکارهای پیشنهادی بهره گرفت.

۲. مستدل بودن

توجه به عقلانیت و استدلال در پاسخ به سؤالات یکی از اصولی است که نقد شونده باید به آن توجه داشته باشد و باید با بهره‌گیری از قوه قضاوت صحیح به طور مدلل به بیان مطالب در تبیین کار پردازد و تا آن‌جا که امکان دارد، از توضیحات احساسی و پرداختن به حواشی خودداری کند.

۳. مستند بودن

لازمه دستیابی به آثار تربیتی یک نقد خوب آن است که نقد شونده تمامی توضیحات و پاسخ‌های خود را با استناد به منابع معتبر و همچنین با استناد دقیق به متن و مطالب مطرح شده از سوی ناقد بیان دارد و تا حد ممکن از توضیحات شفاهی بدون مبنا که ممکن است باعث ایجاد فضای تنش‌زا شود، خودداری کند.

۴. انعطاف‌پذیری

فرد نقد شونده باید خود را از جمود روانی رها کند. طرح مسائلی که در خصوص اثر او مطرح شده، جنبه منطقی فکری او را مختل نسازد. بر اعصاب خود تسلط داشته باشد و تلاش کند مطالب را در وضعی منطقی مورد بررسی قرار دهد و از قطعی و یقینی تلقی کردن نظرات خود پرهیز کند. نظرات ناقد را جدا از شخصیت او مورد ارزیابی قرار دهد، مسائل را از جهات گوناگون ببیند و در قضاوت خویش نسبت به مطالب نقد شکیبایی ورزد. زاو باید بین کنجکاوی عقلانی و اضطراب هیجانی فرق بگذارد.

۵. سعه صدر داشتن

فرد ناقد باید ذهنی باز و روشن داشته باشد. از برخورد به آراء و نظرات مخالف دیگران هراسناک نباشد. نظرات تازه را مورد توجه قرار دهد و دچار جمود و تحجر فکری نشود. تحقق این امر موجب می‌شود که وی متن خود را برترین و کامل‌ترین نداند و پیوسته درصدد ارزیابی مطالب خود برآید و

تغییرات لازم را در آنها به وجود آورد و بدین ترتیب با مسائل تازه و افکار و ایده‌های جدید آشنا شود.

۶. آمادگی پذیرش و استقبال از نقد

فرد نقد شونده در بیان توضیحات خود در خصوص اثر و بیانات مطرح شده از سوی ناقد باید آرامش خود را حفظ کند و در فضایی کاملاً اخلاقی و با نگره داشتن حرمت‌ها به طور منطقی و شفاف توضیحات روشن‌گرانه ارائه دهد، به ترتیبی که آرامش او نشانگر استقبال او از نقد و آمادگی پذیرش مطالب ارشادی باشد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

موضوع نقد یکی از فعالیت‌های مهم فلسفی است که اگر به درستی صورت گیرد، می‌تواند پیامدهای مطلوب تربیتی را با خود به همراه آورد. اساساً توسعه علم و تولید علمی و حتی آموزش و کاربست علم، همچنین تقویت توانمندی‌های فلسفی و منش‌های تفکر؛ مستلزم گسترش فرهنگ نقد در بین افراد و جوامع است بنابراین در این مقاله تلاش شد با تبیین فلسفه تربیتی نقد ذیل سه محور چیستی، چرایی و چگونگی بستر مناسبی را برای تحقق درست این فعالیت فراهم آورد تا نتایج حاصل از نقد موجبات روشنگری و تعالی فرد و جامعه را به سوی کمال فراهم آورد. با نظر به مطالب مطرح شده برای گسترش هر چه بیشتر فضای نقد در جامعه جهت دستیابی به پیامدهای تربیتی آن پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود.

۱. تقویت قابلیت داوری صحیح دانش‌آموزان، دانشجویان، استادان و محققان جهت نهادینه‌سازی تفکر انتقادی در بین آنان که تحقق این امر نیازمند انعطاف و گشودگی ذهن، مقایسه چیزها و درک روابط آنها، حل مسئله، استدلال منطقی، دوری از مغالطه، به کارگیری ملاک‌ها و حساسیت به زمینه یا متن است.

۲. توجه دادن دانش‌آموزان و دانشجویان برای در نظر گرفتن مواردی مانند: شرایط استثنایی و نامتعارف، احتمالات و محدودیت‌ها، پیکره کلی و امکان استثنایی بودن هر نمونه، امکان وجود شواهد مخالف، غیرقابل ترجمه بودن برخی مفاهیم، تشخیص تفاوت بین موقعیت‌های به ظاهر مشابه با پیامدهای مختلف، در نظر داشتن تفاوت‌های معنایی ناشی از فرهنگ‌ها، زبان‌ها و دیدگاه‌های شخصی مختلف، تفسیر صحیح کلام و توجه به اهداف گوینده در ترجمه و تفسیر کلام؛ جهت نهادینه‌سازی تفکر انتقادی در آنان.

۳. تقویت ویژگی‌ها و توانمندی‌های فلسفی تردید منطقی، کنجکاوی، ژرفاندیشی، جامعیت، تعمق، انعطاف‌پذیری و پرسش‌گری در بین دانش‌آموزان و دانشجویان.

۴. آموزش و گنجانیدن مباحث مربوط به چیستی، چرایی و چگونگی نقد در آموزش‌های مدرسه‌ای و مجامع علمی و پژوهشی.
۵. گسترش نشست‌ها و میزگردهای گفتگو محور در فضاهای علمی و پژوهشی در بین استادان، دانشجویان و محققان.
۶. توسعه ابزارها و امکانات نقد مانند مجلات ویژه، کتاب یا برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های ویژه نقد و بهره‌گیری از ظرفیت فضاهای مجازی در راستای گسترش فرهنگ نقد.
۷. اشاعه فرهنگ نقد و نقادی به منزله یک ارزش در فرهنگ عمومی جامعه از طریق رسانه‌های عمومی به ویژه صدا و سیما.
۸. ارائه پاداش‌های معنوی و مادی به فعالیت‌های انتقادی صورت گرفته مانند پذیرش مقالات انتقادی به عنوان مقاله علمی و پژوهشی در فرایند ارتقای استادان و یا وضع قوانین و زیرساخت‌های حقوقی لازم برای دفاع از ارزش‌های معنوی و مادی فعالیت‌های فکری انتقادی.
۹. زمینه‌سازی برای رفع موانع گسترش فعالیت نقادی در درون محافل علمی و دانشگاهی از طریق ایجاد کرسی‌های آزاد اندیشی.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق.)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. شریعتمداری، علی (۱۳۸۸). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۴. غنی، رضا (۱۳۸۹). «جزوه اصول و قواعد فعالیت‌های پژوهشی کودکان و نوجوانان»، کانون پرورش فکری.
۵. فراهیادی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق.)، العین، ج ۵، چاپ دوم، قم: هجرت.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.)، الکافی، جلد ۱، تهران: دارالکتب الإسلامی.
۷. کراجکی، محمد بن علی بن عثمان (۱۴۱۰ ق.)، کنز الفوائد، ج ۲، قم: دار الذخائر.
۸. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، ج ۴، چاپ دوم، تهران: انتشارات زرین.



Educational Philosophy of Criticism, Explaining What, Why and How?

Sosan Keshavarz¹

Assistant Professor, Department of Philosophy of Education, Kharazmi University,
Tehran, Iran.

Criticizing is one of the important activities of philosophers. Judgment on these cases requires careful evaluation, because the criticism should lead to the promotion of the content value. In this way, this philosophical action can create educational effects and enlightenment in the society. However, the realization of such a goal requires that the philosophical activity of criticism be based on a proper foundation to bring up the individual and social consequences of education. For this purpose, first, it is necessary to be aware of the philosophy of critique. Therefore, this paper tries to explain the philosophy of critique, focusing on three axes: what, why, and how. The nature and purposes of the critique is considered in the part of the what and why, respectively. Moreover, the Principles of the critique are discussed in the part of the how, from two view: the critic and person who is the subject of criticism. Some of the most important aims are: guidance, Strengthening the ability of analysis and questioning, developing the culture of dialogue. Furthermore, some principles of the critic and the person who is the subject of criticism are: having knowledge, being documented, being reasonable, clarity, attention to the context, flexibility, tolerability.

Keywords: Critique, Philosophy, Principles, Objectives, Nature.

¹ E-mail: ss.keshavarz@yahoo.com